

نجات ایران

آخرین خبرهای رادیوی

جبهه شوروی - دو فرمان مارشال استالین از دو پیروزی دیگر ارتش سرخ حکایت می کند...

جبهه باختر - در ناحیه سار شهر سارونیون یکی آزاد شده در شهر سارونیون قسمتی واقع در مغرب رود چار بنصرف آمریکاییها ر آمده...

صاحب امتیاز و مدیر سردبیر: ز. فروزش
این روزنامه منزه جبهه آزادی است
شنبه ۱۴ آذر ماه ۱۳۳۲ - شماره ۴۴۶

- ۱ - هیئت وزیران ساعت ۹ صبح
۲ - نمایندگان مجلس شورای ملی ساعت ۹ و ربع
۳ - نصیحت وزیران - رؤسای مجلس و وزیران و اسناد داران و سفرای کبار و وزرای معتاد سابق ساعت ۹ و سه ربع
۴ - رؤسای درجه اول وزارتخانه ها - قضات - کارمندان دیوانت معاصرت اسنادان دانشگاه ساعت ۱۰ و ربع
۵ - پنجاهمیلی ملی و بازار گانی و مدیران جرانه ساعت ۱۰ و سه ربع
۶ - افسران ارشد ارتش شاهنشاهی ساعت ۱۱ و ربع
۷ - آقایان علماء ساعت ۱۱ و سه ربع صبح در کاخ مرمر

من کنت مولاه فهدنا علی مولاه

(صیحه جان افزای محمد بن عبدالله خاتم الانبیا (ص) در روز عید غدیر خم)

هر که را با شمعش موی و دوست است این عم من علی مولای اوست

قیام آزادی خواهان حکومت ترور در ایران

تا باین دولت فرانسه مانع از آزادی خواهان ایران گردید و قوای شهریاری محسوب کرد - همانطور چریکها و افراد عضو شورای مقاومت نیز میبایستی جزو قوای تامینی محسوب نموده و از سلاح آنها خودداری کند.

اکنون می بینیم که بغیر از فرانسه در کشورهای دیگر نیز مانند بلژیک و سویس و یونان و ایتالیا سرمایه داران بین المللی و طرفداران اصول فاشیستی در صدد برآمدند که کلیه آزادی خواهان و کسانی را که جزو احزاب دست چپ هستند از بین ببرد و با دست آنها را از کارهای دولتی کر کند.

این روش نا جانمردانه که دولت های بزدل و جبین بیگانه در پیش گرفته جواب کارگران و نجیبان دنیا را با لول، توپ و شلیک مسلسل میدهد عواقب خوبی در بر نخواهد داشت - زیرا این اعمال جنایتکارانه افراد معصوم و بیگناه را میجویر خواهد کرد که رشته اتحاد و اتفاق - دورا قوتی تر کرده و بایک انقلاب خونین ریشه اعمال دولتی آنها را از بیخ و بن بکنند.

دیوانان معلوم نیست چرا مامورین بی خرد و نادان شهرهایی بی جهت بزی یک شستن و گردن کوبی کسانی که نظرات آزادی خواهانه، میگردند سزین کشته دهمه دست از آنها بردارند خون غوطه ور سازند.

همین پریروز : که آمار کشتگان آزادی خواهان و اهالی بیگناه جزیره کرت منتشر شد و معلوم گردید که تنها در این جزیره آلمان ها ۱۰ هزار نفر اهالی را کشته اند.

(بقیه در صفحه چهارم)

دارد: از یکطرف ایمان، صراحت، شجاعت، تقوی، فقر و تنگدستی، شکر خلاق، اندوه جامعه، کار و رنج، مبارزه و جنگ، خدا پرستی و شفقت به خلق، سختی و نبرد با ظالمین و زور گویان، صف خود آراسته ایم:

بالای سر ما نمثال علی یگانه قهرمان حقیقت و عدالت و مساوات است و باکی هم نداریم که لشکریان عمر و عاص یماکه در زیر نمثال مبارک علی بدفاع از حقوق خلق و مبارزه با ظالمین پرداخته ایم ناسزا بگویند:

از طرف دیگر بی ایمانی، بی وجدانی، نفاق و دروغ، ترسوئی و جبن نادرستی و ناپاکی، پول و گنج معاونت با ظالمین و فاسقین، همراهی با غارتگران و ذرذان، صف خود را آراسته است:

شاعران مکتب معاویه و عمر در مقابل ما شاعران مکتب علی صف، دستهای آلوده اند، بکار می کنیم، در راه ایمان و وجدان خود جهاد می کنیم و امید آنرا داریم که در خانه این جنک عدالت اجتماعی منظور و هدف ما بر تیرگی و ظلم و اسارت ملل غلبه نماید:

(ز. فروزش)

بنامسبت عید غدیر
علی (ع)
در نظر نویسندگان و شعرا بزرگ
غیر از علی که لایق پیغمبری بدی
گر ختم انبیا نه دی ختم انبیا
«سندی»
ای دل غلام شاه جهان باش شاه باش
بیوسته در حایت لطف اله باش
آنرا که دوستی علی نیست کار است
گو زاهد زمانه و گو شیخ راه باش
«حافظ»
جمعت فی صفاتک الاضداد
فلهذا عزت لك الانداده
«ابن ابی الحدید»
که حقیقت به ملک هستی شاه
نیست غیر از علی ولی الله
«شاه متعاضد»
علی ز بعد محمد ز هر چه هست هست
اگر تو مؤمن با کی بکن بدین اقرار
«حافظ»

علی در روزگار صلح روزها با بکر و رنجبری مشغول بود و شبها به بر سرش حال پیمان و فترا و بی توایان و غنایان آنها بسر میبرد و با به بر سرش برود کار می برداشت.

علی در جهاننداری و حفظ حقوق جامعه پیمانند بود. برادرش عقیل از او توقع زائد، از بیت المال نسوید آهن گنداخته در دستش نهداد و فرمود این است سزای کسیکه از مال مسلمین زیاده طلبی کند - علی امر او حکام خود را به بیسیاست می کشید مثلا که یفلان ولایت بی اسرفتی و با بسب بر گشتی. علی شعله ای جاویدان از حق و حقیقت و عدالت مظلمه بود، علی مظهر کامل و جامعی از آیات باهره اسلام بود. علی کلام الله لناطق بود سر اله وی ولی الله بود علی در سخن و خطابه و حکمت و کلام نیز از اعجوبه های دهر بود. کلمات علی مکتوبه را می ژانند در اعماق مغز و استخوان انسان فرو می رود. کلمات علی گویی شهاب ثاقب است که در آسمان روح بشری برقی آساقود میکند و باقی های بی آتیه سیر می کند. بگریزند نهج البلاغه رای در آن بیانات و شریق دقیق شویند تا به بینند سر اله وی ولی الله اعظم چه می فرماید؟

بقول ملای رومی: ما که هستیم که بتوانیم علی را بشناسیم. مادر این طلبت جهل و محدودیت خود علی را فقط تا اینجا می شناسیم. علی را می بینی و می بینی و رهبر بزرگش خوب می شناسی. محمد بزرگ مدتها خود را در تجلیات علی می بیند. جلوه پروردگار را در صفات علی مشاهده مینماید از سرچشمه فیض بخش وحی و الهام مکرر خود را بدایت مامور بیات که علی را به خلق شناساند. ابیت تا کید هر روز بیشتر می شد تا در مسافرت غدیر خم که گروه بزرگی از مسلمان در رباب حضرتش بودند امر آسمانی رسید که اگر علی را بجان نشاسانی و تاج ولایت بر سر علی نصب نکنی مثل آنست که اسر بزرگ رسالت خود را انجام نهدانی.

بی درنگ امر فرمود بپایه شونده از جهاز مرگوبین تریون درست کنند بدایت بالا صعود فرمود و علی را بر سر دست بلند کرد با صدای بلند به خلق چنین فرمود:

من کنت مولاه فهدنا علی مولاه علی پس از آن روز گران و بهانه غروب آفتاب رسالت همچنان به مبارزه با ظلم و شرک اشتغال داشت. پول و سرمایه داری منحوس جنگ و نبرد سختی با علی کردند. سوسیالیسم و عدل اجتماعی در آن روزگار نیز دشمنان تیر و مت داشت این جنگ از هزاروی میسود شمت وسه سال پیش با بنصر ادامه دارد چه فرق می کند. بقول یکی از دانشمندان نوع معفوظ است. علی و معاویه اکنون در این جهان نیستند بی وعاص و مالک اشتر هر دو از این جهان رخت بر بسته اند اما سیاست علی و معاویه تپ عمر و عاص و مالک اشتر وجود

در یکهزار و سیصد و شصت و سه سال پیش که، بشریت در ظلمت شرک و بربرت غوطه ور بود. باز سنگین جهل و ستم بر جامعه ها و توده های بشری فشار روز افزون و جبهات و اقوام انسانی در زیر استیلا بیرحمانه خدایان و بار سنگین مظالم غرور و له شده بودند. از عدالت خبری و از مساوات اثری نبود. آزادی و حریت نای نداشت. حقوق و حدودی مرز توانگران و فرمانروایان را با سایر مردم جدا می کرد بلکه در مقابل اراده و هوس و شهوت توانگران و زور دازان مرزی وجود نداشت و تا هر جا که اراده میکردند بر اجساد نوع بشری تاختمند. در آن روزهای تاریک و موحش خداوند منال فجر سعادت بشری را از وجود محمد (ص) طلوع ساخت و دین اسلام برای تربیت و نجات بشر به جهانیات عرضه گشت.

اسلام یک سوسیالیسم آسمانی و الهی بود. اسلام همه افراد بشر را که وحدانیت پروردگاری بی برده و باین آیین مقصد گردش نموده باشند، همه را برادر یکدیگر خوانده است. اسلام تمامی افراد انسان را از هر ملت و نژاد و اقلیم در برابر یک دیگر مساوی و همه را آزاد و جمله را صاحب حقوق و حدود متساوی اعلام نمود. اسلام در همه جا و در همه حال. در کتاب کریم و آسمانی خویش (قرآن مجید) مجموع طوایف و اسم را مخاطب خود قرار داده و همواره فرموده است با ایها الناس یا ایها الانسان و هیچگاه روی سخنش با یک ملت و یک قبیله و یک دسته از انسان های روی زمین نبوده است در این خطابه های صوبی که بجامه انسان و ناس فرموده: بر بزرگاری. بیگناگی. بر سستی خدای بیگانه. همراهی بعدل و تقوی. مخالفت با ظلم و جور. جهاد با بیاد. مبارزه با تبه کاری ها. جدال با غارتگران. دفاع از حق و دفاع از ناموس و منافع حق و حقوق بشر به رایج همبانی امر و واجب فرموده است. اسلام تفکر و تدبیر در عالم عظیم آفرینش را که محتاج علوم طبیعی و معرفت بحال جهان و حیاتیات است در همه جای زندان بشر توسعه و تأکید فرموده و با بیانیهای گوناگون مردم دوی زمین را بسوی دانش و پیش و تربیت و کمال هدایت فرموده است.

اسلام حقوق و قوانین اجتماعی متین با خود آورد زنان و مردان را در امر و های احکام خود مکتف باجرا و رعایت آن محدود نمود. بقاء نسل و طهارت خانواده ها و نظم بشری را با پایه محکم بنا نهاد. اسلام آزادی قبیله و نکر و اراده بعموم افراد داد و آنان را در امور عامه بشور و مشورت و همفکری و همکاری سوق داد. و باز اسلام در بر تو همین آیات حقه و اسکامیه طوایف و اساطع فعال مایشایی و دینتائوری و امپراطوری های استبدادی و استیلائی ظالمانه و غاصبانه را جمع و سرنگون کرد و بر خرابه های آن حکومت انتقایی اصلاح و تقویت نمود (و امر هم تقوی شوری) مقرر و مستقر فرمود. بالاخره اسلام میرای میر مدینت گیتی را تدبیر داد و در بخت و آزادی بری بشریت باز کرد و باز اگر برای جهانیان رستگاری و نلاخی متصور باشد اجرای همین نظام اسلام را با تطبیق آن بواجب و مقتضیات عصر است که خوشبختانه در این قسمت هم برای تمام نژاد و قباایل تطبیق ترین ادیان با ناموس ترقی و تکامل بشری است و همین جهت و اهمیت است که ما دین اسلام را کامل ترین ادیان مادیات و معنیه بزرگ و مقصد را خاتم پیامبران می شناسیم.

نظری به انقلاب مقدس و بر شور و هیجان اسلام بما ثابت می کند که این تحول عظیم فکری و این نهضت بیابانته را دو تنف. دو شخص با شخصیت و بزرگ و دو شخصیت جاویدان و درخشان ایجاد و اداره فرمودند. موجد بزرگ این سوسیالیسم بزرگ الهی و این آیین مقدس عدل و مساوات محمد بن (ص) عبدالله ابن عبدالمطلب بود و مدیر این انقلاب عظیم و خرد کننده نیروهای متخاصم و مشرک. علی ابنت ابیطالب (ع) بود.

در این نقش بزرگ آسمانی و انقلاب عظیم. بدون تردید علی سهم بزرگ داشت و لذا حق پروردگار بگرن بشریت دارد. علی از آغاز جوانی کمر باین انقلاب بست و با زوری راست و شمشیر بران رهبر برکنار محمد گردید. علی طفلی یتیم بود که با یامین و دگر زیر نظر کیمیا اثر تربیت یافت. خود بخود نیز گود کرد و با بی بی سمر پسر آمدن و این دو یتیم گزینها. این دو در دینم چنان نور و شعله ای از ایمان به طاعت بشری آنگشند که تا نفعه صور و دین دنیا دنیا است خاموشی بر آئ متصور نیست.

علی بر چان شرکین و منافقین و بر تن و هستی مخالفین حق و عدالت شراره سوزانی از قهر و غضب الهی بود علی بر مردم. بر ملت. بر مملعت و مستندان. بر زیر دستان و یتیمان چون نفعه روح بخش روح القدس بود مظهر شفقت و رحمت بزرگان بود. بر چهره سوختگان مظالم بشری چون نسیم روح پرور صیقلی و چون ششم مهر طریقت و شفقت آفرینش بود. علی جنگ با کرد و شیعه ها زد. علی از آنروز که اسلام جز چند تن در اختیار نداشت و قبائل عرب صفوف نیرومندی از شجاعان شیرزور به جنگ با اسلام برخاسته بودند. تا آن روز که تمام جویره العرب در قیام و اختیار اسلام در آمد و فتوحات لشکر اسلام به ایران و مصر گشوده میشد. در تمام اینهمه روز و شب در کار و کوشش و مبارزه بود. علی در روزگار جنگ اسلامه انقلاب بود. شجاعت دلآوری ایمان. فتوت. بزرگواری علی تا تاریخ اسلام است. با دگر و اولفانار او بود که ظلمت را بی شکافت دلآوردن و جنگاوران نامی مخالف را بگنم می کشید. جنگهای علی در قاف و بدر و خندق و سایر غزوات از تالوهای خیره کننده جنگهای آن عصر است. حداد در یک شب از جنگ صفین که به لیله الصبر نامیده شده است از اول شب تا صبح هزار مرتبه ناله اشکبار علی در میدان جنگ طنین انداز بود و هزار تن از شجاعان مبارز را از دم شمشیر آبدار خود گذراند.

نطق آقای رحیمیان

در جلسه دیروز مجلس

بقیه از شماره پیش تمام این صحبتها همچونکه ارزشی برای ملت ایران ندارد هر وقت هر کسی از افراد این مملکت آرزوی برتر است که از نظر سبزی فروش داشته و نمیداند کاری اگر بر خلاف وظیفه و مفروضات کشور ایجاد نمودن امتیاز است که گویا او را بیکرد آفت می توان باین حرف ها امیدواری داشت والا تمام این صحبتها بیخبر همیالین بر سر ملت ایران چیز دیگری نیست.

راجح راجع ۴ برنامه

آقایان میداند تشکیل ادارات مرکزی ما باین وضع عملی حقیقتاً تنگ آورد است. هیچ کاری هم نمیشود کرد بعینده من صدی ۵۰ از افرادی که داخل ادارات کشور شده اند با تنوع اشخاص متغذ پیوری یافتن افراد جدید داخل شده اند که خصوصاً متولنه و احتیاجی بمحقق دولت ندارند ولی متوان این اشخاص را از ادارات بیرون رکنه و حقوق آنها را به اشخاصی که صالنه و مانده اند بدهند آن وقت اطینان مردم را که از کسب و کسب و کسب خوری پیدا کند مادی و حیانتهم کنتی می شود و اقدام در پیوری حال کارمندان دولت با تقویت سن وظیفه شناسی و انضباط کمال پوسجی اسراع اصلاحی و بازخواست این حرفها یک دفعه شوئی کنی است که بدرتک و مامورین نمی خورد.

یعنی دولت آن تشکیلاتی منطقی را ندارد که قادر باینجام این عمل باشد - مفسدولت باید شهادت اینرا داشته باشد که صدی ۵۰ عضو ادارات کشوری را که موجود آنها لازم نیست و زیادند از ادارات بیرون کند. بقیه من دولت باید دارای این عقیده باشد که شایه بخوان یک آمار باشد فراهم کرد.

دوره اول اداره منطقی بنام اداره مجازات تشکیل تاخوان بدین وسیله دست بگذارد و خانیان را گوته نمود. دوم باید جداول نهار حفظ حکومت تمام مردم و مالی برانهد و سادات عموم افراد کشور باشد و میدان چاروازی یکصد صدودی نیارد.

سوم - اگر کسی خدا نکند از نماینده کل محترم قاضیای غیر شرعی داشته رد کند و انجام ندهد - چهارم - نسبت باینکه و عشایر در کشورهای از کشور باینه علاقه مند فرهنگ و بهداشت را در میان آنها توسعه و آنها را امیوار و ملافه مند بکسور بکنه و مامورین ذبد و نامصلح را بحدود آنها فرستند که باعث جنجال و بکثوری کشور را فراهم و بریای منافع شخصی یک همه افشاران کشیده و به مناسبت بشون کشتی و برادر کشته می شود.

پنجم - آرزوی برتر گرفته تا کوچکترین افراد مامورین دولت نسبت ب مردم مهربان و وظیفه شناس و دارای این رویه باشند. ششم این مردم ملت و بیچاره ارباب و حقوق دهنده آنها هستند.

بازار سبزی و هویج فروش

بجای نمایشگاه ایران در خیابان فردوسی

روز گذشته برای گردش و تماشا قدم زنان و سلاطه سلاخه از خیابان فردوسی که یکی از بهترین خیابانهای تهران و محل تکریم بیکاهای مهم اقتصادی مانند (بانک ملی ایران و فروشگاه دولت و خزانه داری کل) و همچنین جایگاه سفارتخانه های دوره اول جهان است - گذرم افتاد - ایگانه نیتیم و این لکه تنگ و کافرا که بواسطه طبع و خودخواهی چشم عالین آنرا کور کرده است نیتیم - چه بدیم - دیم - جلوه خان نمایشگاه شهرداری را که فکرمس میلوینا ریل هرنه سبختان آن کرده اند و در بهرینت موقع خیابان فردوسی واقع شده دریل بیکاهای بدنامی هویج فروش و میوه فروش و ماهی فروش و یک منظره کثیف و بدتر کببب برای عکس برداری بیکانگان از مناظر زیبای تهران آماده کرده اند در صورتیکه اگر میخواستند بدینگونه حقه بازیها برای شهرداری درآمدی ایجاد نمایند ممکن است برای هر چند متر آن از شراری فروشها مبلغ زیادی درآمده گرفت در صورتیکه بزبزیای خیابان نیز افزوده شده و همچنین سابق بود سبزی فروش و میوه فروش را نیز در عقب نمایشگاه بادو طرف آن فرادهاده و برودستان سبزی فروش خود کماهی شایه نیمی بودند آری ایست سلیقه و دیکه طبع کل کلان شهرداری تا سودمندان به بگویند (رودار)

راجح بشهرداری تهران

نورک یا شریک دبیتری لایق شهرداری تهران نیست

در بعضی از جرایده تا حدی دبیتری نام یونانی را توصیف و معرفی کرده اند هر کس بخواهد بهتر او را بشناسد باید از اداره آگاهی یا داسرا استفسار نماید زیرا این شخص یا یورنه های مختلف و متوعی که دارد در آتوماتات معرفیونی ستوا دارد - ما آنکون در آتومد نیتیم دبیتری را هفت قراب بدهیم بلکه می افشار نمیکویم غلامحسین انبهاج باشدن انبهاج نورک نام هوج شخص یا با شتم اندازی و با بر انگیزن وسایل داخلی خارجی آمده و مسته با شرفا در تیس بلدی تهران را غضب کرد هیچ ایستک که این شخص معلوما هو با بنهم تکفان کرده دست ارباب خود یعنی دبیتری معروف و مشهور با انواع بستیهای علمی و اخلاقی را گرفته و در راس کارهای مقابله کاری شهر داری تهران قرار داده بله انبهاج نورک آنکه نام هوج شخص یا با شتم اسفالت کاری و غیره با دست ارباب خود یعنی دبیتری بیجی خوش بریزد قبل از انجام تشریفات اسفالت کاری ها را با داده و حتی مقابله کار قبل را که بکف تره هرب بود بر انجام نوده

پس در مقابل این تجاوز و غارت و جاپاول دولتی که نداشت که جلو گیری کند رجوع کرد بیکر نظر از خواین که ایشان به کسک محلی ما خود هان جلو گیری کردند ولی احوال غارت شده مردم هموز دولت موفق نشده است پس گرفته بیدرم بدهد و در اینت خصوص همیشه شکایت نوده و نامه و متجاوزان بکمال است که دولت کاری نکرده و حالیه در مقابل ترکن ها که مسلح هستند لازم است و مصالحت که از بعضی اشخاص در قوجان اسلحه گرفته شود با غیر آنت را باید دولت تشعیض معمولی بمخواهم سؤال کنیم دولت می توانه بود بدهد که اگر از طرف تر کین ها میداد مشکف گتجاوزی شده چه اطمینانی بیدرم میدهند بقیه من در این جور مناطق اول لازم است امنیت کمالی بین تمام طوایف بر قرار کند و یادگاه های نظای در بعضی قسمت ها که ضروری است نگاه دارند که کسی از وظیفه خود تجاوز نکند و افتخار و احشام مردم در معرض تهدیده من ای از اشرار تر کین با دیگران واقع نکردد.

برای اینکه در قوجان اکثر مردم دارای افتخار و احشام و امرای میشت و شینا نام تر کین اسلحه هر کسی را که می شود بپول از او در آوردن و آزار نکند و متعرض اشخاص صالح و مالداری آنجا نشوند.

دوم - راجع به اداری شیشه ام که مامورین مالیات بر در آمد بدهات قوجان ریخته اند و هر قدری که سه گوسفند هم داشته باشد برای هر گوسفندی ۵ ریال از مردم مالیات بر در آمد میکیرند که از این پول ما شاید صدی ۱۰ به حساب دولت نیارند.

من می نهم ۵ ریال مالیات گرفتن از هر بزی مطابق یکم قانون است با اینکه در این نسبت باقی میلسو نوشته ام ولی فایده ای ندارد لازم است آقای وزیر اداری در این خصوص دستور تلگرافی بدهند که این اشخاص را تعقیب و بیجا که جلب کند ضمناً برای یاد آوری می خواهم عرض کنم.

که در این مناطق بزی بزرگتر و بهادری هستند توجیه میتری بکنند هر چه به دولت های سابق تکر در دادیم فقط به کاغذ برای گذشت در صورتی که از نقطه نظر سیاست و مصالحت کشور کمال واجب و ضروری است.

ولی ایست در مقابل این وضعیت حاضره آنچه بجای می فریاد است و بهدینت در این مناطق بزی بزرگتر و بهادری هستند توجیه میتری بکنند هر چه به دولت های سابق تکر در دادیم فقط به کاغذ برای گذشت در صورتی که از نقطه نظر سیاست و مصالحت کشور کمال واجب و ضروری است.

دوم - راجع به اداری شیشه ام که مامورین مالیات بر در آمد بدهات قوجان ریخته اند و هر قدری که سه گوسفند هم داشته باشد برای هر گوسفندی ۵ ریال از مردم مالیات بر در آمد میکیرند که از این پول ما شاید صدی ۱۰ به حساب دولت نیارند.

من می نهم ۵ ریال مالیات گرفتن از هر بزی مطابق یکم قانون است با اینکه در این نسبت باقی میلسو نوشته ام ولی فایده ای ندارد لازم است آقای وزیر اداری در این خصوص دستور تلگرافی بدهند که این اشخاص را تعقیب و بیجا که جلب کند ضمناً برای یاد آوری می خواهم عرض کنم.

که در این مناطق بزی بزرگتر و بهادری هستند توجیه میتری بکنند هر چه به دولت های سابق تکر در دادیم فقط به کاغذ برای گذشت در صورتی که از نقطه نظر سیاست و مصالحت کشور کمال واجب و ضروری است.

میلسیو و تلاش در تسخیر

بانگ ملی

نبرد ابتهاج با میلسیو در دفع حملات غیر قانونی او

و شکست ناپذیر در آمدن بانگ ملی

دسایس هوسبازی و ناحقگوئی میلسیو جبران نکاتیب و حملات و هدفیات این مطالب خواندنی طی رساله از طرف بانگ ملی منتشر شده ما آنرا ذیل از نظر خوانندگان میگذرانیم.

بخش اول

در بیان منشأ اختلاف و دلایل رد نظر به آقای دکتر ملیسو

آقای دکتر ملیسو نامهای بشماره ۶۶۲۵ مورخ ۱۵ مهر ۱۳۳۳ بعنوان آقای ایوب لعل انبهاج مدیر کل بانگ ملی ایران نگاشته که متن آن در بریش دوم همین مجموعه (صحه ۱۲۳) تجدید شده است.

آقای انبهاج بنامه ضرور باسخی بشماره ۲۳۱۰۱ مورخ ۱۶ مهر ۱۳۳۳ داده و رونوش آنرا نیز برای اطلاع جناب آقای نخست وزیر و جناب آقای وزیر دارائی فرستاده است که متن آن هم در بریش دوم همین مجموعه (صفحات ۱۲۴ تا ۱۲۷) عیناً درج شده است.

مورد استناد هیئت دولت و بانک ملی ایران ماده ۱۶ قانون اساسنامه بانک ملی ایران مصوب ۲۲ مرداد ۱۳۱۷ است که بموجب آن مدیر کل بانک ملی باید بنا بر پیشنهاد وزیر دارائی و تصویب هیئت وزراء بر حسب فرمائ مبارزین منصوب یا مزلول گردد و قانونی که طرف استناد رئیس کل دارائی است عبارتست از ماده ۸ قانون اجاره استخدام دکتر ملیسو مصوب ۲۷ آبانماه ۱۳۳۱ که بموجب آتورس کل دارائی کل اداره از آن استثنای باوزر دارائی و طبق قوانین استثنای هر کارمندان دارائی بازرگانه است که با داده مالی و وابسته باشد و بانگهای ملی با سرمایه دولت اداره میشود و کارمندان دایر دیگری را که باصول محاسبات و صرف وجوه عمومی است متنبه دارند بقصدت منصوب کند ترفیع رتبه و تزلزل دهند منتقل و یا از خدمت بیگانه کنند.

۱ - اعطف توجه دو قانون اختلاف نظر بین هیئت دولت و رئیس کل دارائی در دیاب اینکه آیا رئیس کل دارائی حق دارد بدون رعایت قانون اساسنامه بانک ملی ایران مدیر کل این بانک را مزلول کند دیگر را بجای او منصوب کند یا نه تا شخصی این نکته بعنوان حل نود که هر یک از این دو قانون یعنی ماده ۸ قانون اساسنامه بانک ملی ایران و ماده ۸ قانون اجاره استخدام دکتر ملیسو را میتوان مستقلاً و در مورد مخصوص خود اجرا نمود و با اینکه ماده ۸ قانون اجاره استخدام و رئیس کل دارائی در قانون لایح و تبصره اخیر وارد بر ماده ۱۶ قانون اساسنامه بانک ملی ایران میباشد باید باسخی ضنی آن دانسته و فقط و منحصرآ ماده ۸ ضرور باید بقوه عیناً گذاشته شود.

دو این مورد بوجه مستقیم نیست که بقا کلی که باید در مورد نسخ قوانین رعایت کرد مختصراً اعطف توجه نمایند چون در اصل اجازه استخدام و رئیس کل ملیسو است تمام یا قسمتی از مقررات قانون اساسنامه بانک ملی ایران صراحتاً ذکر نشده است لذا بموجب نسخ صریح قوانین از موضوع مانع قیض خارج و فقط و فقط موضوع نسخ ضنی باید طرف مطاعه واقع گردد.

نسخ ضنی قانون وقتی است که در قانون لایح بهیچوجه نسخ قانون سابق تصریح نشده باشد ولی مفاط واحد لایح سابق بقانون سابق مغالف باشد بخسوی که اجرای هر دو قانون نسخ و نسخ پیشور ولی فقط و منحصرآ در حدودی که قانون لایح با قانون سابق غیر قابل التیام باشد.

نسخ ضنی قانون مبتنی بر این اصل است که هر گاه مقنن دو اراده مغالف اظهار کرده باشد چون اراده لایح وجود قملی دارد باید بازاده سابق حکومت کند و بنا بر اینست در تشعیض موارد ضنی باید خلی ایجاب نمود بهیچکدام است که یک طرف قانون سابق را منسوخ فری کند در صورتیکه نظر مقنن بهیچوجه معطوف به نسخ آنست نود است پس لازمست که برای تأمین نظر مقنن قانون سابق را فقط در قسمتی منسوخ فری شود که اجرای آن تواماً با قانون لایح غیر ممکن است بوده و این عدم امکان هم عدم امکان حقیقی باشد.

نظر برباب بالا اگر دو قانون وضع شود که ظاهرهما متناقض باشند ولی یکی از آنها راجح بیکم کلی باشد و دیگری را بیکی حکم خاص در مورد بخصوصی فرض شود باید بدون اینکه طریق این قانون یعنی این حکم خاص در مورد بخصوصی خود اجرا گردد بدون اینکه بخواهد دیگر سرات داده شود و همین نظر اصولی است که علسای وقت و فقها باینست زیر برده اند.

«نسخ خاص حکم کلی و حکم کلی نص خاص را نسخ نمیکند» این اصل مسلم باید در تمام موارد رعایت گردد اما از آنکه حکم کلی سابقو نص خاص لایح باشد و بنا بر عکس نص خاص سابق حکم کلی لایح باشد و هیچیک از این دو نص نتوانند دیگری را نسخ کنند سکر اینکه نسخ صریح بهیچوجه بود و یا اینکه اجرای هر دو حکم در آن واحد حقیقتاً غیر ممکن باشد.

بعطف توجه باین مقدمه حال باید بهیچیکه از ماده ۸ قانون اجاره استخدام رئیس کل دارائی را مفاطاً منسوخ ضنی ماده ۱۶ قانون اساسنامه بانک ملی ایران فرض نود نماید.

نمایندگان دوره ۱۳۸ و ۱۴

هر یک از شاها که در دوره وکالت خود کاری به نفع حوزه انتخابی خود انجام داده اند شرح آنها برای این روزنامه بر فرستید تا ما چاپ آن خادم از خان شمس و عطایات هما در برابر حقوقی که از ملت گرفته اند معلوم کردیم دفتر نمایان ایران

صدسال پس از مرگ گریف

سخن رانی آقای سعید نقیسی در رادیو تهران روز سه شنبه ۲۱ نوامبر بود در همه محافل ادبی جهان بنامست مردسالگی مرگ گریف شاعر داستان سرای معروف روسی میسایلی تشکیل یافت و اجین روابط فرهنگی ایران با اتحاد جماهیر شوروی هم روز یکشنبه مجلس یاد بودی مخصوص در آثار بزرگ دارالفنون تشکیل میدهد.

گریف از شماریست که نه تنها در سرزمین خود بلکه در همه جهان معروفست. در ادبیاتش مخصوصاً هفت که از زمانهای بسیار قدیم در همه زبانها رواج داشته و ستهای توسعه رسیده و مخصوصاً در ادبیات شرق و از آن جمله در ادبیات ایران دامنه آن بسیار وسیع است و آن را در ادبیات قدیم ایران مثل و امثال و به زبانهای اروپائی قابل می گویند.

امثال یا عبارات منظومهها و داستانهایست که از کردار و گفتار جانوران مضمونهای می گویند و مراد گوینده همیشه از آن نتیجه اخلاقی و اجتماعی و گاهی نتیجه فلسفی و عرفانی است.

که در پایان آن داستان کلیه صریحا و گاهی تلویحا وزیر برده آدمی می کند در نظم و نثر زبان فارسی نمونه های بسیار ازین سبک هست که معروف ترین آنها در شعر کلاسیک و دهنه و اتوار سهیلی و مرزبان نامه و نظائر آنهاست در نظم بسیاری از شاعران بزرگ مانند سمانی و عطار و جامی و کسان دیگری که از آنها تقلید کرده اند چه داستانهای مفصل و چه حکایت های کوچک مستقل در این زمینه ساخته اند.

مخصوصا استاد این سبک عطار است که در همه مثنویهای خود داستانهای مستقلی بهمین سبک دارد و کتاب معروف منطق الطیر او کامل ترین و بهترین نمونه این مضامین به شعر فارسیست.

در ادبیات غرب از قدیم ترین زمانها این سبک نیز رواج داشت. در یونان قدیم ازوب و در ادبیات یونان لاطین فدر و در فرانسه لافونتن و فلوریان شمرای معروف مشهورترین سرایندهگان قابل هسته که اصطلاح ادبی اروپا آنها را فابولیس می گویند و گریف هم قطعاً مدوش آنهاست.

ایوان آنسویویچ گریف در ۱۳ فوریه ۱۷۹۶ ولادت یافت. پدرش از افسران جزء بود و ده سال پس از تولد او در ۱۷۹۹ در کاشان و بهمین جهت گریف از آغاز جوانی مجبور شد گذران خود و مادر و برادر کوچکش را بپیماید. معروف است که مادرش از راه دعا خواندن برای اموات متخص عایدی بدست می آورد بگفته چیزی که از پدر یابو بارت رسیده بود یک متن کتاب بود.

گرد آورده آقای خلیل صبری

مبحث قضائی = روش دادرسی

استاد استنباط بسندیکه در بدایت اصیل شناخته شده جان است ۱۳۷ - ۲۵ ۱۶۶۱ ۳۷ ر ۴۲ و ۱ ۶۶۲۳۰ - ۴۴۴ ۲۳۲۳۱ ۱۶۶۷۲۵ - ۱۷۲۵ ۷ ر ۴۰ ۲ ۱۶۶۷۲۸ ر ۴۲ ۲۳۲۳۲ ۱۶۶۷۲۷ - ۲۳۲۰ ۲۴۳۶۷ ۱۶۶۷۲۶ - ۱۵۸۱ ۲۵۳۳۲ ۱۶۶۷۲۳ - ۶۶۶ ۲۵۳۳۲ ۱۶۶۷۲۲ - ۲۵۹ ۲۶۳۴۲ ۱۶۶۷۲۱ - ۲۵۹ ۳۷۳۴۲ ۱۶۶۷۲۳۱ - ۹۹۷ ۳۱۱۴۳ ۱۸۲۲۹ - ۲۱۴ ۲۷۱۰۱۵۳ ۱۶۶۷۲۱۴ - ۲۴۶۱ ۳۸۷۱۳۴ ۱۴۰۲ فوریه ۱۹۰۲ ۶۲۲۲۱۹۴ ۱۱۰۹ - ۱۱۰۹ ۱۰۴۶۳۵۴ ۱۳۲۷۴۴۵ ۱۳۲۷۴۴۵ ۷ دیوان کشور ۶۰۷۲۳۷

بعدم ارائه اصل سند باید علتر از استناد کننده توضیح در صورتیکه اصل سند در خارج استند در خارج بقبول درخواست ارائه اصل دفتر تجاری نباشد داد گامی تواند بسند مزبور اکتفا کند صرف با زوجی عملی کافی برای اثبات اصالت سند نیست در صورتیکه انتساب خط مسلم شود امضاء لازم ندارد ادارات دولتی نیز در ارائه اسناد بداد گاهها مانند افراد عادی مستند بدون رسیدگی بصحت اسناد نمی توان آنها را برای اثبات اصالت سند نباید حکم داد

۲۴ - دعوی در قبالت اسناد رسمی - توجه دعوی

دعوی پرداخت وجه سند رسمی بوجوب سند غیر رسمی قابل طرح رسیدگی است قرائت دعوی در صورتیکه سند مستقیم بوده معتقد است چنانچه در خلال دادرسی مورد دعوی انتقال یابد باید منتقل الیه دعوت شود نه فراز عدم توجه دعوی صادر گردد

۲۵ - دقت در دلایل و اکتفا رسیدگی

تقص رسیدگی ب دلایل موجب شکست رای است تقص رسیدگی خاصه با تصریح به آنت موجب تقص رسیدگی و دقت در مستندات ضروری است

آگهی

اخطار به علیقلی خلعتبری

بعد از آنکه شنیده شد علیقلی خلعتبری (امیر اسد سابق) بعنوان فروش باصلح در مورد املاک خرده مالکین کجور (بعنوان املاک سردار کبیر) با آقای مهدی باغچهچای معامله ای با اخذ هشتاد هزار تومان نموده که توضیحات و تعقیب این موضوع بر عهده خرده مالکین کجور وکیل آنان است - شنیده میشود که علیقلی نام برده مجدداً با آقای مهدی باغچهچای بعنوان اماره دهمه املاک اختصاصی ادعای خود معامله دیگری و اجاره ای تنظیم کرده است اکنون بدین تو به علیقلی امیر اسد و طرف معامله و وسایط ایشان اخطار میکنیم که شش دانگ قریه اسب چیست باضمام کلیه مزارع و مراعات و تازاه و بایرید ملک متصرفی و آب آبار جدی اوت جانان کبرلانی غفور خواجهی - و میرزا محمد خواجهی است) باینشنی که دودانگ متعلق بگرلانی غفور - و چهار دانگ متعلق به میرزا محمد میباشند) و اگر امیر اسد در زمان اقتدار و استبداد خود در بیست و چند سال قبل با زور و شکنجه و حبس و قتل بداهای واهی بنات ملک مزبور اقدام نموده بوده آن تعدیات بهیچوجه موجب سلب مالکیت این جانبان محسوب نشود و این جانبان بوجوب پیروندهای موجوده در دادگاه که شهردار دعوی علیقلی در برابر است) بطرفیت دارائی و مشاوره ای درخواست داده ایم و اکنون بپرونده ما موجود مطرح است و کلمات رسمی هم در این باب به جناب آقای فروزش مدیر نجات ایران تقدیم کرده ایم که از حقوق حقما دفاع فرمائید و نیز شش دانگ تازاه امرج کلاو حیدر آباد کرکاس با کلیه توابع ملک متصرفی این جانب محصد خواجهی است که در این موضوع نیز شرح فوق برهنه وجود و مطرح است و کلمات رسمی به جناب آقای فروزش داده شده است بنا بر اینب فوق در مورد املاک موضوعه هرگونه اجازه یا تفویض یا معامله ای که از طرف امیر اسد یا هر کسی بشود از درجه اعتبار ساقط است و مشمول عنوان افسان ملک غیر خواهد بود و بر مرتکبین طبق مقررات قانون تعقیب میشوند بدینوسیله است بامسور این اخطار برای دلالت املاک غیر و خریداران و متعاملین فقر عدم اطلاع باقی نمی ماند و اگر اخلاق هم راضی باشند که املاک خرده مالکین را من غیر حق از شخص ظالم و جبار امیر اسد یا هر کسی ممانده علیقلی خلعت غریبه با اجازه کنند و تصور نمایند که می توانند قائم مقام خود و استبداد امراء بوسیده وظلمه عهد عتیق گشته و از املاک خرده مالکین بر برداری نمایند قانون این نوع افعال موجب مسئولیت خواهد بود و عملاً مشاهده خواهد کرد که از این سرخسها بدنامی و دشنامی نتیجه ای عایدشان نخواهد شد.

آگهی

بمنظور اینکه عموم اهالی شهر بتوانند در هر قطعه سکونت دارند با سرع وقت مراجعات بانکی خود را انجام دهند و احتیاج نداشته باشند اداره مرکزی بانک مراجعه نمایند بانک ملی ایران ۱۲ باجه در نقاط زیر افتتاح کرده است:

- باجه پستخانه
باجه پستخانه
میدان سر چشمه پاساژ قاسمی
« ایران
« امیریه
« شاهرضا
« سیاه
« شاهپور
« میدان شاه
« سه راه طرشت
« خیام
« سرای حاج حسن
« مولوی
این باجه ها عملیات ذیل را مانند بانک مرکزی انجام میدهند.

آگهی دادخواست

با نولفاجعفریان فرزند محبت دادخواستی در تاریخ اول آبانماه ۲۳ به طرفت آقای غدیر زنجانی بخواسته طلاق استناد گرواهی نامه گواهان بسلامه این که خواننده زوج اکیهانه و امنت بیست و شش ماه است که بدت قیمت خود از پرداخت نفقه و کسبه این جانب خود داری و صدور داد نامه طلاق را در دادگاه خواستار است لغو از نظر ما معلوم برین اقامتگاه خواننده دادخواست بشرح بالا طبق ماده ۱۰۰ آیین داد رسی مدنی برای اطلاع نامبرده سه توت متوالی در مجله رسمی وزارت داد گسرتی و یکی از روزنامه های تهران آگهی میشود که در تاریخ نشر آخرین نوبت طرف مدعت سماع هر گوه اظهار دارد بهادگاه شمه دوم شهرستان تهران اعلام و پس از گذشتن مدت دادگاه بصدور دادنامه شفعی مبادرت خواهند نمود و چنانچه اخطاری بعدا برای ابلاغ بخواهه لازم شود مدت آن ده روز و فقط بگنجدت در روزنامه آگهی خواهد شد

ش- ۲۴۸/۹۹ مدبر دفتر شمه دوم شهرستان تهران غفور

بزرودی
بزرگترین نمایش مهیج و جالب توجه
خانده سری
اثر
ژول ماری
نویسنده شهیر فرانسوی
در سمینار تاتر فرهنگ
باشتر اکت بهترین هنر پیشگان همین تماشاخانه

پیام نو

شماره دوم منتشر شد
تک فروشی - کتابفرهشیهای دانش وادایان خیابان سدی - و آکادیا
خیابان فردوسی - و بنگاه آذر چهار راه مقبرالدوله

دفتر روزنامه هوشمند

هوقتا در بازار چه قوام الدوله حب عکاسی ایران میباشد
آقایانیکه نامدار این روزنامه کار دارند میتوانند هه روزه
باشتنای ایام تعطیل از ساعت شش ونیم تا ساعت هشت بعد از ظهر
مراجعه نمایند

راندنگی و میکانیکی رحیمی پور

ادب آموزشگاه تحت نظر معصین برجسته دالر و بانانلرنز قیمت میتوانید
فردانگدی و میکانیکی را فرا کنید
آدرس خیابان خورشیدستان جنب بارک فخرالدوله و باقیفتر معاملات آن واقع
در خیابان شاه آباد جنب باغ سپهسالار تلفن ۸۷۸۴ مراجعه فرمایید

یاد آوری

هر گاه روزنامه شما روزانه قبل از ظهر نرسید با تلفن شماره ۸۷۶۸ این اداره مراجعه فرمائید
برای تعمیر رادیو - ماشین تعمیر - چرخ خیاطی - هنک و قام
خودنویس متمصص اروپا رفته مراجعه کنید
نشانی امیریه - و وروبروی خیابان میامی - هنر گاه پرند

